

*Research Article*

## **A Comparative Study of the Rhetorical Techniques of Arab Shia Poets in the First Abbasid Era with the First Persian-Speaking Shia Poets**

Muhaddatha Sadat Mir Hosseini<sup>1</sup>, Seyed Babak Farzaneh<sup>2\*</sup>, Mahmoud Shakib<sup>2</sup>

### **Abstract**

Shiite poetry is committed and has a mission, which has had various topics and structures in all periods. The first Abbasid era, which is the era of development and growth of Arab literature, was a fruitful era of Shia poetry and Shia poets. The Shiite poets of the first Abbasid era tried to place their poetry in the service of spreading religious concepts and explaining the virtues of the Ahl al-Bayt (AS) and defending them, and in order to achieve this goal, they tried to express their poetic gems by using artistic techniques and techniques. To expose literature in particular and in general. This research, which was carried out with a descriptive-comparative method and based on library studies, aims to compare the most important rhetorical techniques in the poetry of Seyyed Hemyari and Dick Al-Jen as representatives of the Shia poets of the first period of the Abbasid era and compare it with the techniques As the first Persian-speaking Shia poets, Kasei Marvzi revealed how the themes and titles attributed to Ahl al-Bayt (pbuh) appeared in their poetry. The results obtained from the research indicate that these poets have used imagery and techniques such as simile, metaphor, and irony to convey the themes and concepts attributed to Ahl al-Bayt (PBUH). Also, Sovare Khiyal is more prominent in the poems of Arab poets and their innovations are more than the Shiite poems of Kasei Marvzi.

**Keywords:** Shiite Poetry, Rhetorical Tricks, Imagination, Hemyari, Dick Al-Jen, Kasei Marvzi

---

1. PhD Student, Department of Arabic Language and Literature, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Professor, Department of Arabic Language and Literature, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

**Correspondence Author:** Seyed Babak Farzaneh

**Email:** farzaneh@srbiau.ac.ir

**DOI:** [10.30495/CLQ.2023.1972524.2482](https://doi.org/10.30495/CLQ.2023.1972524.2482)

**Receive Date:** 14.11.2022

**Accept Date:** 19.01.2023

## بررسی تطبیقی شگردهای بلاغی شاعران شیعی عرب در عصر اول عباسی با نخستین شاعران شیعی پارسی گوی

محدثه السادات میر حسینی<sup>۱</sup>، سید بابک فرزانه<sup>۲\*</sup>، محمود شکیب<sup>۲</sup>

### چکیده

شعر شیعی، متعهد و دارای رسالت است که در همه دوره‌ها دارای موضوعات و ساختارهای گوناگون بوده است. عصر اول عباسی که عصر نمو و رشد ادبیات عرب به شما می‌آید، عصری پربار از شعر شیعی و شاعران شیعی بوده است. شاعران شیعی عصر اول عباسی، سعی نمودند شعر خود را در خدمت نشر مفاهیم دینی و تبیین فضایل اهل بیت (ع) و دفاع از ایشان قرار دهند و به منظور تحقق این مهم تلاش کردند تا گوهر شعری خود را با به‌کارگیری شگردهای هنری واز رهگذر فنون ادبی در معرض خاص و عام قرار دهند. این پژوهش که با روش توصیفی - تطبیقی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته، بر آن است تا با مقایسه مهم‌ترین شگردهای بلاغی در شعر سید حمیری و دیک الجن به عنوان نمایندگان شاعران شیعی عرب در عصر اول عباسی و مقایسه آن با شگردهای کسایبی مروزی به عنوان نخستین شاعران شیعی پارسی گوی از چگونگی نمود مضامین و مناقب منسوب به اهل بیت (ع) در شعر آنان پرده بردارد. نتایج برگرفته از پژوهش حاکی از آن است که این شاعران جهت انتقال مضامین و مفاهیم منسوب به اهل بیت (ع)، از صورخیالی و شگردهایی همچون: تشبیه، استعاره، کنایه بهره برده‌اند. همچنین صورخیال در اشعار شاعران عرب برجسته‌تر و نوآورهای آن‌ها نسبت به اشعار شیعی کسایبی مروزی بیشتر است.

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات عربی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استاد گروه زبان و ادبیات عربی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ایمیل: farzaneh@srbiau.ac.ir

نویسنده مسئول: سید بابک فرزانه

## واژگان کلیدی: شعر شیعی، شگردهای بلاغی، حمیری، دیک الجن و کسای مروزى

### ۱. مقدمه

شعر شیعی نماد اندیشه و اعتقاد و فرهنگ مکتب شیعه در آینه ادبیات شاعران ولایی شیعی در طول تاریخ نمایان است. شعر شیعی نیز نماد اندیشه، اعتقاد و فرهنگ مکتبی شیعه، در آینه ادبیات شاعران ولایی شیعی نمودار است. این نوع شعر همانند دیگر اشعار در گذر زمان همواره در تحول و تکامل بوده و شیوه‌ها و سبک‌های گوناگونی داشته است. شاعران شیعی این دوره، تلاش نمودند در انتقال مضامین به مخاطبان و خوانندگان، با انتخاب الفاظ ساده و روان، فهم و درک شعر را برای مخاطبان به‌ویژه مخاطبان عامه آسان و ساده نمایند. آنان برای دفاع از آرمان‌های خود از آیات قرآن و احادیث استفاده کرده‌اند. مهم‌ترین اسالیب شعر شیعی در عصر اول عباسی عبارتند از: به کارگیری اسلوب‌های بلاغی همچون تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز، اغراق و استفاده از ادوات تنبیه، مبالغه، تکرار کلمات یکی دیگر از ویژگی‌های اسلوب در شعر شاعران شیعی در این دوره بوده است. شاعران این دوره استعمال واژگان غریب را کنار گذاشتند، ترکیباتی ساده و سهل را به کار بردند، از آرایه‌های بدیعی بهره بردند و در به کارگیری صنایعی چون: تشبیه و استعاره و نیز اغراق در مدحیات و هجویات و نیز حرص بر تناسب میان اجزای قصیده و رعایت ترتیب و ترکیب کوشش نمودند. این پژوهش جهت پاسخ به این پرسش اساسی که شاعران شیعه عصر اول عباسی از چه شگردهای بلاغی در بیان و برجسته نمودن مضامین منسوب به اهل بیت(ع) در اشعار خود بهره برده‌اند؟ و سروده‌های آنان در مقایسه با اشعار کسای مروزى چگونه است؟، در نظر دارد تا از رهگذر منهیج توصیفی-تحلیلی و با بررسی شگردهای هنری و صورخیال در اشعار سید حمیری و دیک الجن به عنوان نمایندگان شاعران شیعی عرب عصر اول عباسی و کسای مروزى به عنوان یکی از نخستین شاعران شیعی پارسی‌گوی از چگونگی نمود مضامین و مناقب منسوب به اهل بیت(ع) در شعر آنان پرده بردارد.

### ۲. پیشینه پژوهش

طبق بررسی‌های صورت گرفته، برخی پژوهش‌های مرتبط با موضوع مقاله حاضر چنین است: مقاله «بررسی مباح شیعی در دوره عباسی با ملاحظه شرایط سیاسی و مذهبی» (۱۳۸۶ش)، به قلم دودمان کوشکی که نگارنده در آن به بررسی عناصر ادبی، مفهوم، موضوع و اهداف مباح شیعی دوره عباسی پرداخته است؛ «بازتاب حماسه عاشورا در اشعار برخی از شعرای عصر عباسی» (۱۳۹۰ش)، نوشته ابراهیم فلاح. در این مقاله انعکاس واقعۀ عاشورا در شعر چند تن از شعرای دوره عباسی مورد بررسی قرار گرفته است؛ مقاله «دیک الجن شاعر مظلوم اهل البیت» (۱۳۸۸ش)، تحقیق حسن عبداللهی، که نگارنده در آن، به معرفی شخصیت و مظلومیت دیک الجن پرداخت و گوشه‌هایی از فضایل و مصائب اهل بیت(ع) را در اشعار شاعر بیان نمود؛ مقاله «بررسی زیبایی‌شناختی نخستین شعر عاشورایی»

(۱۳۹۲)، نوشته حجت‌الله فسنگری و میلاد جعفرپور. نویسندگان در این پژوهش با هدف تبیین جایگاه سروده عاشورایی کسایی مروزی به بررسی عناصر اثرگذار در زیبایی این اشعار یعنی ظیر شیوه اثرپذیری از قرآن و حدیث، تلمیحات، بسامد آوایی، وزن و قافیه، تعریف مسندالیه با ضمائر اشاره، عنصر رنگ، معادله‌سازی در تشبیه و صبغه اشرافی و سپاهی‌گری پرداختند. تاکنون پژوهشی که اسلوب هنری اشعار شیعی شاعران عرب عصر اول عباسی و نیز کسایی مروزی را مورد بررسی قرار داده باشد، دیده نشده است و بدین ترتیب این مقاله با مقالات ذکر شده متفاوت است.

### ۳. شگردهای بلاغی در شعر شاعران شیعی عصر اول عباس

در این بخش به مهم‌ترین شگردهای بلاغی و هنری یعنی تشبیه، استعاره و کنایه در اشعار شیعی سید حمیری، دیک الجن و کسایی مروزی پرداخته می‌شود:

#### ۱.۳. تشبیه

تشبیه یکی از فنون و ابزارهای بیانی است که پایه و اساس شکل‌گیری بسیاری از سروده‌هاست. در تعریف تفتازانی تشبیه یعنی نشان دادن اشتراک چیزی با چیزی دیگر در یک معنا یا قرار دادن همانندی بین دو چیز یا بیشتر از دو چیز که اشتراک آن‌ها در یک صفت یا بیشتر از یک صفت مقصود است و این تشبیه به وسیله ابزاری برای هدفی معین که گوینده در نظر دارد انجام می‌گیرد (تفتازانی، ۱۳۸۳ش: ۱۸۸). در میان مباحث علم بیان، تشبیه برجستگی خاص دارد؛ به این دلیل که تشبیه اساس شکل‌گیری استعاره (بهنام‌فر و خسروی، ۱۳۹۱ش: ۸۸) و مجاز و کنایه نیز هست.

تشبیه مهم‌ترین شگرد هنری شاعران این دوره و از جمله سید حمیری و دیک الجن است. معاصران و متقدمان سید به جز یکی دو تن خیال را نه به منزله یک ابزار که به جای هدف تلقی کرده‌اند؛ زیرا حوزه اندیشه و تفکرات و عواطف ایشان چنان محدود و مبتذل بوده است، (بیشتر مدح و یا تعزل مکرر و غیر عقیف) که جز از رهگذر صورخیال قابل توجه و دقت و لذت بردن نیست، اما سید حمیری به گونه‌ای دیگر به شعر می‌نگرد و از این رو منطق شعری او به جهاتی با شعر دیگران به خصوص متقدمان و معاصرانش تفاوت‌هایی دارد (ر.ک: شفیع کدکنی، ۱۳۷۲ش: ۵۵۰). به عنوان مثال حمیری در بیت زیر در وصف محمدبن حنفیه:

تَشْبَه وَجْهَ قَمَرًا مَنِیرًا      یضیء لَهیذا طلع السناء

(سید حمیری، ۱۴۲۰ق: ۲۰)

- چهره‌اش به ماه درخشان می‌ماند که چون طلوع می‌کند هر آینه از روشنی او همه درخشش‌ها و روشنایی‌ها نور می‌گیرد.

حمیری در این بیت با بهره‌گیری از عاطفه‌ای خالصانه سیمای محبوب و ممدوح خود را به تصویر می‌کشد. او در این تصویرگری از یک تشبیه محسوس استفاده می‌کند که در آن حتی وجه شبه و ادات تشبیه نیز ذکر شده

است. بنابراین او در بخش زیادی از تصویرسازی‌های خود به دنبال جلا دادن و بخشیدن رنگ و لعاب تازه به کلام خود نیست و پا را از دایرهٔ بیان معانی در اسلوبی واضح و بی‌تکلف فراتر نمی‌نهد. آن چنان که می‌گوید:

فلا یخْفَى عَلٰی أَحَدٍ بَصِيرٌ      و هَلْ بِالشَّمْسِ صَاحِبَةٌ خَفَاءُ  
هنالك تَعْلَمُ الْأَحْزَابُ أَنَا      لَبِثْتُ لَا يَنْهِنُهُ هَا لِقَاءُ

(همان)

- آیا نور درخشش این خورشید تابان بر هیچ فرد بصیر و بینایی پوشیده می‌ماند. هان همهٔ گروه‌ها بدانند که ما شیران بیشهٔ نبردیم که هیچ رزمگاه و نبرد دهشتناکی آنان را از جنگ و ستیز باز نمی‌دارد. در این دو بیت پیوستگی معنا دیده می‌شود و شاعر در بهره‌گیری از تشبیهات موفق عمل کرده است. محور عمودی خیال با عاطفهٔ شعری و عمق معانی تناسب دارد. این از ویژگی‌های شعر حمیری است که در آن عاطفه و معنای مضامین بر فرم و حتی اندازه بهره‌گرفتن از صور خیال‌انگیز برتری دارد. مثلاً در بیت زیر شاعر چشمه کوثر را به نقره و سنگ‌ریزه‌اش را به یاقوت و مرجان و مروارید تشبیه کرده است.

يَقِيضُ مِنْ رَحْمَتِهِ كَوْتَرُ      أبيض كالفضّة أو أنصع  
حصاه ياقوت و مرجانه      و لؤلؤ لم تجنه إصبع

(همان: ۱۳۰)

- از سر چشمهٔ فیاض و لایزال رحمت الهی کوثری سفید و درخشان همچون نقره و بلکه درخشان‌تر از آن می‌جوشد. سرچشمه‌ای که سنگ‌ریزه‌اش یاقوت و مرجان و مرواریدی است بکر و ناسفته که سر انگشتان هیچ بشری آن‌ها را لمس نکرده و به دست نیاورده است.

هر چند در شعر حمیری نفوذ زندگی اشرافی دیده می‌شود، ولی این تأثیر نسبت به دیگر شاعران این عصر اندک است. حمیری در تشبیهی کاملاً آشنا و معمولی تقوا و پاکیزگی را به ردا و لباس مانند می‌کند، تصویری که در قرآن نیز عیناً با لفظ (لباس التقوی) آمده است و شاعر در آن هیچ نوآوری مضمونی نداشته است؛ برای این که او اغلب به دنبال نوآوری و هنرنمایی خاصی در خلق تصاویر نیست و یا در این بیت:

و حَبَّهْمُ مِثْلُ الصَّلَاةِ وَ أَنَّهُ      عَلِي النَّاسِ مِنْ بَعْضِ الصَّلَاةِ لِأَوْجِبِ

(همان: ۳۰)

- دوستی و ولایت ایشان مانند نماز بر مردم واجب و از برخی نمازها واجب‌تر است. در این بیت هدف شاعر از آوردن این تشبیه که چندان هم هنری نیست، بیان عظمت و جایگاه رفیع محبت و ولایت اهل بیت بوده است، نه آفرینش هنرمندانهٔ تصاویر خیال‌انگیز و ایجاد لذت هنری در ذهن خواننده. در جای دیگر شاعر می‌گوید:

و هُوَ لَا أَهْلَ شَرِكٍ لَا خَلَقَ لَهُمْ      مِنْ مَاتِ كَانِ لِنَارِ أَوْ قَدَّتْ حَطْبَا

(همان: ۳۶)

- و اینان اهل شرک و کفر هستند که خدا خیر و حسن را از زندگی ایشان دور کند و هر یک از آنان که می‌میرد، برای آتش افروخته شده‌ی الهی همچون هیزم باشد.  
در این بیت شاعر نفرت خود از دشمنان عقیده‌خویش را در قالب یک تشبیه تکراری که هم سابقه قرآنی دارد؛ یعنی همانندی کافران به هیزم آتش جهنم، نشان می‌دهد و هیچ تلاش چشمگیری برای خلق تصاویر جدید نمی‌کند و یا وقتی به بیان غربت و تنهایی خود در بین مخالفان عقیده‌اش می‌پردازد:

فأنت غریب فیهم متباعد      کآنک ممّا یتقونک أجرِب

(همان: ۲۹)

- تو در میان آنان غریب و طرد شده هستی و آنان چنان از تو پرهیز و دوری می‌کنند که گویی شتر جرب گرفته و بیمار هستی.

در این مثال طرفین تشبیه و وجه شبهه؛ یعنی شباهت انسان غریب به شتری که به بیماری برص مبتلاست و از گله شتران رانده می‌شود، وجود دارد. این تشبیه در شعر عرب فراوان است و هیچ لذت هنری در خواننده ایجاد نمی‌کند و تنها رسالت آن رساندن معنا و بیان حزن و اندوه شاعر، از تنهایی خود است. آن مقدار اندکی که از تشبیب و تغزل نیز که در دیوان حمیری وجود دارد، در آغاز قصاید آن، که روح کلی منقبت اهل بیت در آن‌ها دیده می‌شود، در اکثر موارد، شتاب زده و گریزان از کنار این مضامین تغزلی و عاشقانه می‌گذرد و خود را به بدنه‌ی اصلی قصیده که بیان گوشه‌ای از فضائل اهل بیت (ع) است، می‌رساند که خواننده به سادگی تناقضی را که روحیات شاعر با این گونه اشعار عاشقانه داشته، احساس می‌کند. بهترین نمونه آن قصیده‌ی لام عمرو است که در آن، شاعر تنها در ۷ بیت نخست به طور تصنعی به سنت گریه بر اطلال می‌پردازد، بدون این که هیچ وصفی از معشوق سفر کرده بیاورد. در اشعار وی ابیات متعددی یافت می‌شود که شاعر در آن‌ها با چیره دستی تمام توانسته است تشبیهات بکر، جذاب و دارای مضامین دلچسب بیافریند و از چنگال آن تقلید و تکرار تصاویر و مضامین برهد این ابیات خود نشانگر هنر شاعری والا و توان ادبی و خیال‌پردازی‌های شاعر بوده است.

با نگاهی به دیوان سید حمیری معلوم می‌شود که سید به هیچ وجه شاعر طبیعت و پرداختن به مضامین و تصاویر متنوع برگرفته از عناصر آن نیست. سید حمیری، شاعر عقیده و اندیشه و دفاع از آرمان‌های سیاسی- اجتماعی حزب شیعه است. زبان شعری او و فضایی که وصف می‌کند او آن قدر ساده و روان و زیباست و با مقتضای حال مخاطب تناسب دارد که هر جا فضای شعر او خواستار به کارگیری تصاویر برگرفته از طبیعت می‌شود، شاعر این نیاز معنایی را با استفاده از فضای طبیعت اطراف خویش، پاسخ می‌دهد. یکی از مواضعی که سید در آن مجال مناسبی برای ترسیم طبیعت در قالب تشبیهات ماهرانه یافته است؛ ابیاتی است که در به نظم کشیدن معجزه ظاهر کردن چشمه آب به دست امیرالمؤمنین در بیابان سروده است (ر.ک: دیوان، ۴۱-۴۲). در جایی دیگر شاعر با بهره گرفتن از موهبت‌های طبیعت می‌گوید:

حتی إذا طلع الشَّمیط کأنه      فی آلیل صفحہ خدّ أدهم مغرب

(همان: ۴۲)

- هنگامی که تیره و روشن صبح روی نمود به چهره سیاه و سفید اسب نژاده‌ای می‌مانست که سیاهی و سفیدی چشمش به هم آمیخته باشد.

وی سیاه و روشن بامدادان را همانند تیره و روشن چهره‌ای سیبی نجیب می‌داند و از این رهگذر تصویر خیالی سومی می‌آفریند که در نوع خود بیان گر زبان گویا و توانمندی و چیره‌دستی سراینده خویش است. در میان عناصر طبیعی حاضر در ابیات شعر سید حیوانات مختلف بیابان نمود ویژه و زیادی دارد که این عناصر اجزای محیط زندگی و فضای پیرامونی شخص شاعر نیستند تا با جلوه‌ای کاملاً طبیعی و ناخودآگاه و برخاسته از پس زمینه ذهنی شاعر، شعر او را رنگی از طبیعت‌گرایی و بروز حقیقی اشیاء و اجزای محیط زندگی واقعی بزنند. نکته دیگری که در شعر سید جلب نظر می‌کند، این است که در تشبیهات او هیچ حضور ملموسی از عناصر متعدد و پرکاربرد طبیعت چون آسمان، خورشید، ماه، باد و باران، باغ و چمنزار، چشمه آب زلال و دریا نمی‌بینیم جز مواردی بسیار اندک آن هم در قالب تشبیهاتی سنتی و معمولی که تنها همچون یک ابزار ساده و کوچک در خدمت رساندن معنا و ذکر منقبت و فضائل ممدوحان همیشگی سید- معصومین(ع) قرار بگیرد. ساختار تشبیهات و به کارگیری انواع مختلف تشبیه از لحاظ ارکان آن در شعر سید بسیار متنوع و پراکنده است. مثلاً از نظر بلیغ یا غیربلیغ بودن تشبیهات در شعر سید، تشبیهات بلیغی که حذف ماهرانه وجه شبه و ادات تشبیه در آن اتفاق افتاده باشد، در شعر او چندان دیده نمی‌شود. اما تعداد اضافه‌های تشبیهی استادانه‌ای که از انواع تشبیهات بلیغ است در دیوان وی فراوان به چشم می‌خورد.

دیک الجن شاعر حمصی در مقابل اهل بیت(ع) اظهار خضوع و فروتنی می‌کرد و مراثی بسیاری در شهادت حضرت علی بن حسین(ع) سروده که در مجالس نوحه‌سرایی شیعیان خوانده می‌شود. در اعتقاد به تشیع سخت استوار بود و معمولاً کتب و منابعی که از او نام می‌برند، با جمله «يَتَشَبَّحُ تَشْبِيحاً حَسَنًا» او را یاد می‌کنند (عمر فروخ، ۲۰۰۶م: ج ۲/ ۲۷۱). مصطفی شکه‌می می‌گوید: «عجیب است با اینکه از لحاظ اخلاقی مردی بی بند و بار و منحرف بوده، در عین حال متشیع و دوستدار اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده و قصاید بسیاری در مدح اهل بیت و نیز رثاء و گریه بر امام حسین (علیه السلام) دارد.» (شکه‌می، ۱۹۸۶م: ۵۷۸). شاعر حمصی در بیتهای خاندان پیامبر را به ماه‌های درخشان آسمان تشبیه می‌کند:

أنتم بُدُرُ الهدى و أنجمه و دوحه المکرمات والحسب

(دیک الجن، ۴۱۵ق: ۳۴)

- ای خاندان پیامبر! شما ماه‌های درخشان آسمان هدایت و ستارگان آن هستید و همچنین شما درخت بزرگی‌ها و بزرگواری‌ها هستید.

می‌بینیم که در این بیت دیک الجن برگزیدگان خداوند را به ماه و ستاره همانند می‌کند و آن‌ها را درخت معرفی می‌کند. تشبیهی واضح و بدون تکلف و تکراری. در تشبیهی دیگر در رثای جعفر بن علی هاشمی را به شمشیری ضربه‌زننده مانند می‌کند:

فتقّ کان مثل السّیف من حیث جئته

لنائبه نابتک فهو مضارب

(همان: ۷۶)

شاعر در بیت زیر امام حسن و حسین (ع) را به دو گوشواره زیبا در عرش خداوند تشبیه می‌کند:

وقد حبانى منکم السبطين

هما بحلى العرش کالقرطین

(همان: ۵۸)

وی در تشبیهی زیبا، ولی ساده بزرگ‌مردان را به شیر شجاع، ماه درخشان، ابر بخشنده و کوه استوار مانند می‌کند:

کالأسد بأسا والبدور إضاءه

و المحزون جودا و الجبال حلوما

(همان: ۲۱۳)

در این تشبیهات دیده می‌شود که شاعر در زیباسازی و انتقال مفاهیم عناصر طبیعت را به کار گرفته است.

شاعر در تشبیهی بلیغ پیامبر(ص) را به منبع نور مانند کرده است:

و أنتَ عَلَامٌ غُیُوبِ النَّثَا

یوماً إذا نَسألُ أو نُسألُ

نحنُ نَعزِّیکَ و منکَ الّهْدی

مَسْتَخْرَجٌ و النُّورُ مُسْتَقْبِلٌ

(همان: ۱۹۰)

- تنها تو از حقیقت هر خبری آگاهی، زمانی که از تو بپرسیم پاسخ می‌دهی و وقتی دیگران از ما درباره چیزی سؤال کنند، باز هم تو پاسخ خواهی داد. ما به تو تسلی می‌دهیم در حالی که تو منبع هدایت و نور آیندگان هستی.

در شعر دیک الجن بیشتر با تشبیهات معمولی مواجهیم و ابتکارات و نوآوری‌های وی در این بخش اندک است. نمونه‌ای از نوآوری وی را می‌توان در تشبیه بلیغ و مرکب زیر دید که در آن نسبت پیامبر(ص) به علی(ع) را به تکمه نسبت به پیراهن مانند کرده است.

و أنتَ مِنّی الزُّرُّ مِن قَمِیصی

وما لِمَن عَداکَ مِن مَحِیص

(همان: ۱۸۷)

- تو نسبت به من، مانند دکمه نسبت به پیراهن منی، و هر که با تو به دشمنی برخیزد، مفری ندارد. و نمونه دیگر نوآوری این شاعر در شعر شیعی، تشبیه امام علی(ع) به عضو از اعضاء پیامبر(ص) است:

ضو النبیّ المصطفی وروحهُ

وشمهُ ودوقهُ وریحهُ

(همان: ۱۸۸)



- وی عضوی از بدن پیامبر برگزیده خدا، و روح و عطر و بو و سلیقه آن حضرت بود. کسایی مروزی نخستین شاعری است که به زبان فارسی شعر مذهبی و عاشورایی سروده و راه را برای آیندگان گشوده است» (هاشمی، ۱۳۷۵ش: ۱). وی «از شعرای بزرگ ایران است و به همین مایه اندک که از اشعارش باقی است اندازه وسعت فکر و دقت خیال و حسن بلاغت و براعت طبع او را می‌توان دانست. اشعار کسایی به لطافت و دقت تشبیه ممتاز است و در این فن عده کمی به پای او می‌رسند» (فروزانفر، ۱۳۲۸ش: ۳۱).

کسایی در بهره‌گیری از مضامین و صناعات ادبی استاد بوده است. او «در ابداع مضامین و بیان معانی و توصیفات و ایراد تشبیهات مهارت و قدرت بسیار داشت. او مواظ و حکمت را در شعر فارسی به کمال رساند و مقدمات ظهور شاعرانی چون ناصر خسرو را فراهم ساخت.» (حقیقت، ۱۳۸۶: ۴۷۶).

برجسته‌ترین صنایع بدیعی در شعر کسایی مرزی را باید مربوط به تشبیهات حسی دانست. آنچه عمدتاً در شعر او برجسته است، تشبیهات معقول به محسوس است. و در موارد نادری می‌توان در آن‌ها تشبیهات ترکیبی هم ملاحظه کرد، مانند:

دو دیده من و از دیده، اشک دیده من	میان دیده و مژگان ستاره‌وار پدید
به جَزَع ماند یک بر دگر سپید و سیاه	به رشته کرده همی گرد جَزَع مروارید

(کسایی مروزی، ۱۳۷۹ش: ۵۷)

در بیت زیر کسایی قاتلان امام حسین (ع) را به انسان‌های کوری مانند کرده که با تبعیت از هواهای نفسانی از راه حق منحرف شدند و چون چشم دلشان کور است، توانایی تشخیص راه درست را ندارند.

آن کور بسته مطرد بی طوع گشت و مرتد	بر عترت محمد چون ترک غز و یغما
------------------------------------	--------------------------------

(همان: ۷۰)

بیچاره شهربانو، مصقول کرده زانو	بیجاده گشته لولو بر درد ناشکیبا
---------------------------------	---------------------------------

(همان: ۷۱)

شاعر در این بیت زانوان شهربانو (همسر امام حسین(ع)) را سرخ و خونین توصیف کرده است. در این نمونه شاعر در زیباسازی بیت از عناصر طبیعت بهره گرفته است که تشبیهی محسوس است. شاعر لشکر کشیدن و احاطه لشکر شام بر گرد امام حسین (ع)، در هنگامه نبرد را با اشاره‌ای ظریف چنین می‌نماید:

بی شرم شمر کافر ملعون سنان ابتر	لشکرزده بر او بر چون حاجیان بطحا»
---------------------------------	-----------------------------------

(همان: ۷۴)

همانگونه که انبوه حجاج برگرد خانه خدا طواف می‌کنند، لشگر یزید بر او حمله‌ور شده و چنان که حاجیان کعبه را در میان گیرند، بر گرد او حلقه زده‌اند که در واقع تشبیهی مقید است.

ضیائی درباره اشعار عاشورایی کسایی می‌گوید: «روایت جزئیات واقعه عاشورا، خلأ تصویرگرایی و مضمون‌پردازی، سادگی و روایی بودن سبک بیان و برخوردار از جنبه عاطفی، از مشخصات این مرثیه به شمار می‌روند» (ضیایی، ۱۳۸۱ش: ۵۸).

مدحت کن و بستای کسی را که پیمبر	بستود و ثنا کرد و بدو داد همه کار
آن کیست بدین حال و که بوده است و که باشد	جز شیر خداوند جهان حیدر کرار
این دین هدی را به مثل دایره ای دان	پیغمبر ما مرکز و حیدر خط پرگار
علم همه عالم به علی داد پیمبر	چون ابر بهاری که دهد سیل به گلزار

(کسایی، ۱۳۷۹ش: ۶۱)

در این مدح زیبا کسایی با عاطفه پاک و خالص خود به پیامبر و مولا علی با استفاده از تشبیهاتی محسوس، دین اسلام را به دایره، پیامبر (ص) را به مرکز و حضرت علی (ع) را به خط پرگار و محیط دایره مانند کرده و بدین ترتیب در یک بیت سه تشبیه به کار برده است. شاعر در بیت بعد با استفاده از طبیعت بهاری پیامبر (ص) را به ابر بهاری مانند کرده است که تمام دانش عالم را به علی (ع) بخشیده که در آن حتی وجه شبه و ادات تشبیه نیز ذکر شده است. ضمن اینکه در تشبیهی مضمیر علم همه عالم به سیل و باران فراوان مانند شده است.

عمده تصویرسازی‌های کسایی در اشعار شیعی را تشبیهات محسوس و گسترده و پویا و سرزنده و با ترکیبی از عناصر طبیعت و بعضاً فرهنگ دینی و کمتر ایرانی و صبغه‌ای درباری و اشرافی، تشکیل می‌دهد.

### ۲.۳. استعاره

به کارگیری استعاره همواره یکی از ارزشمندترین هنرنمایی‌های ادبی و وسیله‌ای مناسب برای محک زدن قدرت سخن‌سرایی شاعران بوده است. وجهه‌ای که حضور استعاره به یک اثر ادبی می‌بخشد؛ شاید از هیچ طریق کلامی و معنایی دیگری دست‌یافتنی نباشد.

استعاره کاربرد لفظ در غیر معنایی که برای آن وضع شده است با علاقه مشابهت بین معنای اصلی (وضعی) و معنای مجازی، همراه با قرینه‌ای که ذهن را از اراده معنای اصلی باز می‌دارد و به سوی معنای دیگر (معنای مجازی) می‌کشاند (هاشمی، ۱۴۱۴ق: ۳۱۵).

امیرمحمود انوار و همکاران درباره معیار زیبایی‌شناسی استعاره از دیدگاه جرجانی چنین می‌گویند: «تشخیص و تجسیم، تأکید و مبالغه، شرح و روشن ساختن معنی، بسط و گسترش معنای ایجاز، آراستن و تزیین سخن، تناسب و دقت در انتخاب وجه شبه (جامع) میان مستعار منه و مستعار له، هماهنگی استعاره با دیگر بافت متن و ساختار سخن است. همچنین استعاره بیانگر ایده ای است که به هیچ طریق دیگری غیر از آن امکان بیان مطلوب ایده وجود ندارد انوار و همکاران، ۱۳۸۹ش: ۱۸). مجموعه استعارات موجود در دیوان شعر سید نشان می‌دهد، تعداد قابل توجهی از انواع استعارات در آن‌ها به کار رفته است و این نکته‌ایست که در عین سادگی، سیمای هنری را برای شعر او رقم

می‌زند. در اشعار سید استعارهٔ مکنیه رتبهٔ هنری بالاتر و ارزش ادبی بیشتری نسبت به استعارهٔ مصرحه دارد، چرا که از سوئی در آن به سبب حذف مشابه به، مستعارمنه تلاش ذهنی و خیالی و لذت ادبی بیشتری نصیب مخاطب می‌شود. همچنین از آن جایی که هر استعارهٔ مکنیه یک تشبیه و انسان‌نمایی را به همراه دارد؛ تصویر بدست آمده، از آن بدیع‌تر و جذاب‌تر از یک استعارهٔ مصرحه است. استعارهٔ ریسمان برای محبت و ولایت اهل بیت که مضمونی بسیار پر کاربرد در اشعار سید است:

إِنِّي عَلَقْتُ بِحَبِّهِمْ مُتَمَسِّكًا      أَرْجُو بَذَاكَ مِنَ الْإِلَهِ رِضَاءً

(سیدحمیری، ۱۴۲۰ق: ۲۳)

- من به دوستی و ولایت آن‌ها آویخته‌ام و سخت به آن چنگ می‌زنم و بدین گونه به رضایت پروردگار خود را امیدوارم.

در این بیت استعارهٔ مکنیهٔ مرشحه و تحقیقیه دیده می‌شود؛ یعنی شاعر به گونه‌ای سخن گفته است که علی‌رغم مکنیه بودن استعاره، معنای آن کاملاً روشن است. مخاطب قرار دادن پرچمی که امام علی (ع) در جنگ بر دوش گرفت که خود نوعی استعارهٔ مکنیه است، به سبب تشخیصی که در خطاب اشیا بی‌جان وجود دارد:

يَا رَايَةَ جَبْرِيلُ سَارَ أَمَامَهَا      قَدَمًا وَ اتَّبَعَهَا النَّبِيُّ دُعَاءً

(همان: ۲۳)

- ای پرچمی که پیشاپیش تو جبرئیل حرکت می‌کرد و پیامبر به همراه آن دعای خیر خود را روانه می‌نمود.

وی برای کسانی که به شعر او گوش نمی‌دهند، در مقام تعریض و طنز، استعارهٔ انواع حیوانات را به کار می‌برد:

قَدْ ضَعِيَ اللَّهُ مَا جَمَعْتَ مِنْ أَدَبٍ      بَيْنَ الْحَمِيرِ وَ بَيْنَ الشَّاءِ وَ الْبَقْرِ  
لَا يَسْمَعُونَ إِلَيَّ قَوْلٍ أُجِيءَ بِهِ      وَ كَيْفَ تَسْتَمَعُ الْأَنْعَامُ لِلْبَشْرِ  
أَقُولُ مَا سَكْتُوا أُنْسَ فَإِنْ نَطَقُوا      قَلَّتِ الضَّفَادِعُ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الشَّجْرِ

(همان: ۱۱۴)

- همانا خداوند آن چه از شعر و ادب که جمع آوری کرده بودم، در میان خران و گوسفندان و گاوها پراکنده و ضایع کرد. به سخنی که من می‌گویم و شعری که می‌خوانم، گوش نمی‌کنند، چگونه چارپایان به آدمیان گوش کنند. اگر هنگامی که من صحبت می‌کنم ساکت شوند و گوش فرا دهند، انسانند اما اگر وقت شعر خواندن من صحبت کنند، می‌گویم آن‌ها که در شعر خوانی من ساکت نمی‌شوند وزغ‌هایی هستند که در میان گل و لای و درخت زار کنار آب غورغور می‌کنند.

تصاویر در استعاره‌های مصرحه در شعر سید، متنوع و نامکرر و حتی در پاره‌ای از موارد بکر و تازه است. استعاره قرار دادن عرش الهی به چیزی که دستگیره و دست آویز دارد (ر.ک: همان: ۳۲)، در

وصف محمد حنفیه، استعاره آوردن برق‌های دلربا از انسان‌های فریبکار، که در دوستی اهل بیت دروغ می‌گویند (ر.ک: همان: ۳۸)، استعاره عنکبوت از زنی که با دوک نخ‌ریسی خود نخ‌هایی را بر در غار مخفی گاه پیامبر (ص) بافته است (ر.ک: همان: ۴۳) از این نمونه است. استعاره‌های مصرحه در شعر حمیری از نظر شکلی و صوری نیز چنان که گذشت اغلب جزء استعارات تحقیقیه هستند، یعنی مستعارله در آن‌ها از امور قابل اشاره است. مانند استعاره آوردن حیوان درنده از دشمنان امام علی (ع):

یا للرجال لرأی أم قادهما  
ذئبان قادهما الشقاء وقادهما  
ذئبان یکتفانها فی أذوب  
للحین فأقتحما بها فی منشب

(همان: ۳۸)

- ای جوانمردان فریاد از اندیشه بی‌خردانه مادری که دو گرگ او را به ورطه هلاکت می‌کشاند. دو گرگ که به همراه درندگان دیگر او را در میان گرفته‌اند. گرگانی که نگون‌بختی و شومی آن دو را پیش می‌برد و آنان نیز این مادر را به لجه مرگ می‌کشاند و به چنگال هلاکت و نابودی می‌سپارند. این استعاره، تحقیقیه است و تصویری کاملاً تکراری را در تشبیه انسان‌های بد به گرگ ترسیم می‌کند. این‌ها ثابت می‌کند که سید علی رغم استعداد شگرفی که در شاعری دارد، همه همت خود را صرف بیان ساده و همه فهم از فضائل اهل بیت می‌کند و خود را به دام معانی و تصاویر نا آشنا و دیرپاب نمی‌اندازد. استعارات دیک الجن در اشعار شیعی وی معمولاً آشناست و پیچیدگی و دشواری ندارد. مثلاً در توصیف اهل بیت آنان را مایه رستگاری دانسته و عبارت «طریق الضلال» استعاره مکنیه است که در آن گمراهی به سرزمینی تشبیه شده که راه‌هایی دارد:

تسببت طرق الضلال فلو  
لاکم مشوا بالشرک و الکفر

(دیک الجن، ۱۴۱۵ق: ۵۱)

- راه‌های گمراهی گسترده شدند و اگر شما نبودید، مردم به راه شرک و کفر می‌رفتند. دیک الجن در برخی از قصایدی که درباره اهل بیت (ع) سروده، ابتدا به مسائل دردناک واقعه عاشورا اشاره کرده و نیز در این میان به ذکر فضائل علوی این خاندان اشاره می‌کند:

دَعُوا التخبیط فی عشاء مظلمه  
لم یبدُ لا کوکبٌ فیها ولا قمرُ

(همان: ۴۶)

- بگذارید کور کورانه در ظلمتی حرکت کنند که در آن ستاره و ماهی ظاهر نمی‌شود. (ظلمت) در این ابیات استعاره از راه و روش یزیدیان و (ستاره) و (قمر) که مایه هدایت و راهنمایی هستند، استعاره از خاندان اهل بیت (ع) هستند. استعاراتی که دیک الجن در این نوع شعری به کار می‌برد، بیشتر استعاره مکنیه است. وی در بیت:

## صونی شعاع الضمیر و استسعرى

## الصبر و حسن العزاء و احتسبى

(همان: ۳۳)

- خویشتندار باش و پوشش صبر را بر تن کن و این برای تو کافی است.  
به انسان پند می‌دهد که صبر را مانند لباس بر تن کند؛ زیرا بدین ترتیب به پاداش خواهد رسید. در این بیت «الصبر» و «حسن العزاء» استعاره مکنیه‌اند که در آن‌ها لباس حذف شد و پوشیدن که از ملازمات آن است، ذکر شد. البته در میان این استعارات مکنیه تشخیص و جان‌بخشی هم دیده می‌شود. آنجا که از مصیبت اهل بیت(ع) سخن می‌گوید، قلب را به انسانی مانند می‌کند که همواره در شگفت است.

فكرت فيكم و في المصاب فما انفك فؤادى يعوم في عجب

(همان: ۳۴)

- در مورد شما و گرفتاریتان فکر کردم و قلب من همواره از این گرفتاری‌ها در شگفت است.  
همچنین ماء برای عجب استعاره گرفته شده که مستعارمنه (ماء) حذف و لوازم آن (يعوم) ذکر شده است.  
استعاره در اشعار شیعی کسایى اندک است. این استعارات ساده و بیشتر از نوع استعاره مصرحه مجرد است.

آن چراغ عالم آمد وز همه عالم بدیع وین امام امت آمدوز همه امت گزین

(کسایى مروزی، ۱۳۷۹: ۳۴)

که چراغ عالم استعاره مصرحه از پیامبر اکرم (ص) است و در بیتی استعاره شمع و چراغ دنیا را برای امام حسین (ع) به کار می‌برد:

آن نازش محمد، پیغمبر مؤبد آن سید ممجد شمع و چراغ دنیا

(همان: ۷۰)

استعارات کسایى بیشتر در وصف امام حسین (ع) به کار رفته است که بیشتر تکراری است، مانند شمع و چراغ دنیا و شمع دین.

مؤمنم درم پذیرد تا شمع دین بمیرد ترسا به زر بگیرد، سم خر مسیحا

(همان: ۷۱)

در بیتی اشک شهربانو را به لؤلؤ و مروارید مانند کرده است. مرواریدی که از خون جگر شهربانو به خاطر واقعه کربلا به جوشش افتاده و سرخ شده است که در آن از عناصر طبیعت بهره گرفته است.

بیچاره شهربانو، مصقول کرده زانو

بیجاده گشته لؤلؤ بر درد ناشکیبا

(همان: ۷۱)

کسایی در مواردی نادر از مشبیه به همی استفاده کرده است. به عنوان مثال قاتلان امام حسین را به دیوان مانند کرده است:

آن زینب غریوان اندر میان دیوان

آل زیاد و مروان نظاره گشته عمدا

(همان: ۷۴)

### ۳.۳. کنایه

از دیگر شگردهای هنری شاعران شیعی کنایه است. ذوق هنری هر فردی تصدیق می‌کند که کنایه از تصریح به یک موضوع بسیار بلیغ‌تر بوده و بهره بیشتری را به مخاطبان می‌رساند و بیشتر به هوش و درایت خواننده اعتراف و تکیه می‌کند و آن را هر چه بیشتر به هم نفسی و هم داستانی با ادیبان در آن چه از تجربیات شخصی و احوال روحانی و تحولات درونی عاطفی که ایشان بدان می‌پردازند و به آن دست می‌یابند، می‌خواند (ر.ک: احمد ابوالحق، ۱۹۸۸م: ۱۷۲-۱۷۸).

کاربرد انواع کنایه در شعر حمیری فراوان موضوعات آن متفاوت است. کلام وی در عین سادگی در لفافه‌ای از جملات و تعابیر کنایی پیچیده شده است. اکثر کنایات به کار رفته در شعر او کنایه نسبت و کنایه صفت می‌باشد. کنایه موصوف و کنایه نسبت با ذکر نام در دیوان حمیری وجود دارد، اما افراد و موصوف‌های این کنایات در اکثر موارد خدا، پیامبر، امام علی(ع) و امام حسین(ع) می‌باشند که این خود سبب تکراری شدن زبان و مضامین کنایات شعر او شده است. از دیگر کنایه‌های دیوان شاعر کنایه از شجاعت و جنگ آوری سپاهیان امیرالمؤمنین است:

و ذوو البصائر فوق کلّ مقلّص

نهد المراکل ذی سبیب سلهب

(سیدحمیری، ۱۴۲۰ق: ۴۴)

- و سواران تیز تک و تیز چشم که بر اسبانی با ساق‌های قوی و لاغر و پاهایی ورزیده که موی سر زیبا دارند، سوار هستند.

در بیت زیر باطل بودن سخنان مدعیان علیه دوستی اهل بیت(ع) را می‌آورد:

لام العدول علی مدیحی جعفرأ

فملأت فاه جندلاً و صعیدا

(همان: ۷۹)

- ملامتگر مرا به سبب مدح جعفر بن محمد(ع) سرزنش می‌کند و من دهان او را پر از خاک سنگ می‌کنم. از موارد پر کاربردی که در کنایات شعر سید به چشم می‌خورد کنایه از فرارسیدن روزگار شدت و سختی است که در اشکال مختلف در ابیات شعر او آمده است، از جمله بیت:

و قد قتلوا من أنصار رهطاً      فحلّ النذر أو وجبت نذور

(همان: ۹۴)

- جماعت زیادی از یاران پیامبر را کشتند و کار چنان سخت شد که نیاز به نذر و دعا پیش آمد. در دیوان حمیری مجموعه وسیعی از کنایات دیده می‌شود که دارای مضامین و شکل و قالب‌های بسیار متنوعی هستند، از کنایه از مظلومیت، عظمت و شجاعت امام علی (ع) و سایر اهل بیت (ع) گرفته تا کنایه از شدت و سختی و برحق بودن امام علی (ع).

بیت زیر از جمله مواردی است که به زیبایی چند کنایه صفت را کنار یکدیگر می‌آورد. کنایه از صفاتی چون آزادگی، از پاک سرشتی و پاک‌دامنی فهمیده می‌شود:

بیضاء طاهره الثیاب کریمه      طابوت و طاب ولیدها والمولد

(همان: ۷۰)

- سفید و پاک جامه و کریم و بزرگوار کسی که خود زنی پاک و مطهر است و فرزند او و تولد آن فرزند نیز پاک و بهشتی و مطهر است.

اکثر کنایه‌های موصوف در شعر حمیری کنایه و توصیفی از امام علی (ع) است. اما در دیوان او کنایه‌های موصوف از خداوند و پیامبر اکرم (ص) نیز کم نیستند.

خف یا محمد فالق الأصباح      و أزل فساد الدین بالإصلاح

- ای محمد از آن شکافنده صبح بترس و برحذر باش و آن تباهی را که در دین خود داری به صلاح آور.

چنان که ملاحظه شد، موضوع و تصاویر در کنایه از صفات در شعر حمیری متنوع است. به طوری که شمردن همه آن‌ها دشوار است. حمیری در کنایات خود برخلاف استعاره‌ها و تشبیه‌ها توجه کمی به عناصر طبیعت دارد و از آن‌ها چندان بهره نمی‌گیرد. وی از آوردن کنایات و تعبیر کنایی به دنبال پیچیده کردن سخن و سردرگم نمودن مخاطبان نیست، بلکه هدف او، بسط معانی و تصاویر اشعار دینی است و در این زمینه در بکارگیری کنایات شاعری موفق بوده و توانا ظاهر شده است.

دیک الجن نیز در اشعار شیعی خود از این آرایه بلاغی استفاده می‌کند. مصرع نخست بیت زیر که در وصف خاندان پیامبر (ص) سروده شده است:

وَأَنْتَ مَتَى الزَّرِّ مِنْ قَمِيصِي      وَ مَا لِمَنْ عَادَاكَ مِنْ مَحِيصِي

(دیک الجن، ۱۴۱۵ق: ۵۷)

در این بیت شاعر با استفاده از معنای ملازمت، دکمه را که ملازم همیشگی لباس است کنایه از امام علی(ع) گرفته که همواره با رسول و همراه او است. به طور کلی مصراع اول کنایه از این است که امام علی(ع) مایهٔ پشتگرمی و محکمی کارهای رسول(ص) است. شاعر در این ابیات عبارت (أبوالعلم) را به عنوان کنایه از موصوف بکار برده است که به شخص بسیار دانا دلالت دارد:

بَعْدَ النَّبِيِّ فَارْبَعِي أَوْ أَمْضِي      إِنَّ عَلِيًّا خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ  
صَدَقْتَ أَوْ أَصَبْتَ بِالْبَيَانِ      هُوَ الَّذِي سَمِّيَ أبا الْبَيَانِ  
مِنْ قَوْلِهِ قُولُوا وَ لَا تَحْمَحِمُوا      وَ هُوَ أَبُو الْعِلْمِ الَّذِي لَا يُعْلَمُ

(همان: ۱۸۸)

- امام علی(ع) بعد از رسول(ص) بهترین مخلوق بر روی زمین می‌باشد، می‌خواهی بایست یا بگذر، اوست که صاحب بیان نامیده شده، اگر بیان را کاملاً بشناسی. او صاحب دانشی بود که کسی از آن آگاه نبود، و اوست که همیشه می‌گفت: سؤال کنید و حمحمه نکنید.

مصراع اول این بیت در معنای کنایی بر منزلت و مقام والای پیامبر(ص) دلالت دارد:

مَنْ ذَا الَّذِي كَلَّمْتَهُ الْبَيْدُ وَ الشَّجَرُ      وَ سَلَّمَ التُّرْبُ إِذْ نَادَاهُ وَ الْحَجَرُ  
حَتَّى إِذَا أَبْصَرَ الْأَحْيَاءُ مِنْ يَمَنِ      لِأَرْهَانَهُ آمَنُوا مِنْ بَعْدِمَا كَفَرُوا

(همان: ۱۳۲)

- کیست که بیابان‌ها و درختان با وی گفتگو می‌کردند و چون خاک و سنگ را صدا می‌کرد، بر وی درود می‌فرستادند و وقتی قبیله‌های یمنی برهانش را دیدند، ایمان آوردند در حالی که پیش از آن کافر بودند؟ در بیت زیر «أحمر الحلب» کنایه از خون‌ریز بودن نیزه‌هاست که کنایه‌ای از نوع ایماء است:

أَوْ اسْمَرَّ الصَّدْرُ أَصْفَرَ أَرْزَقَ الرَّأْسَ      سِ وَ إِنْ كَانَ أَحْمَرَ الْحَلْبِ

(همان: ۳۹)

بیت زیر که در مصیبت اهل بیت(ع) سروده شده کنایه از ستمی است که به خاندان پیامبر(ص) شده است:

مَا زَلْتُمْ فِي الْحَيَاءِ بَيْنَ هِمِّ      بَيْنَ الْقَتِيلِ وَ بَيْنَ مُسْتَلَبِ

(همان: ۳۴)

- همواره شما در زندگی، کشته و غارت شدید. هر چند کسانی از شاعران توانا در کنایه است، اما میزان کنایات در اشعار شیعی وی خیلی زیاد نیست و آن مقدار هم بیشتر از نوع کنایه فعلی است.



دامن اولاد حیدر گیر و از طوفان مترس      گرد کشتی گیر و بنشان این فزع اندر پسین

(کسایی مروزی، ۱۳۷۹ش: ۷۳)

دامن چیزی را گرفتن و و گرد چیزی گرفتن، کنایه فعل از متوسل شدن بدان است. همچنین در بیت زیر از شعر عاشورایی وی، سیر شدن کنایه از بی‌رغبت و ملول گشتن و متنفر شدن است که کنایه‌ای فعلی است.

سیر شد منبر ز نام و خوی سکین و تکین      سیصد و هفتاد سال از وقت پیغمبر گذشت

(همان: ۷۴)

البته گاه کنایه از اسم نیز دیده می‌شود. امیرالفاسقین در بیت زیر کنایه‌ای از خلفای اموی و عباسی است که خود را امیرالمومنین می‌خواندند.

وین همه میمون و منصورند امیرالفاسقین      کان همه مقتول و مسموند و مجروح از جهان

(همان: ۴۷)

و بی‌وفا و غافل نیز کنایه است از معاویه است.

آن بی‌وفا و غافل غره شده به باطل      ابلیس‌وار و جاهل کرده به کفر مبدا

(همان: ۷۱)

## نتیجه‌گیری

اهمیت شعر شیعی و جایگاه آن در ادب از دیرباز، مورد توجه ناقدان شعر و ادب بوده است. این گونه شعری، مضمون شعر عربی را غنی و پربار نموده و ادبیاتی که از آن برخاست، قوی و سرشار از عاطفه و خرد انسانی بوده است. عاطفه‌ای که بهترین پشتوانه‌اش، عشق به اهل‌بیت(ع) و خردی که تکیه‌گاهش، تفکر پیشوایان شیعی بوده است. شاعران عرب‌زبان شیعی در سرودن کلمات غریب را کنار گذاشتند و ترکیب سهل و واضح را به کار گرفتند، از صنایع بدیعی استفاده کردند و در به کار بردن صنایع بیانی و صورخیال کوشش کردند. شعرای متعهد برای بیان عقیده خود و بیداری‌بخشی مخاطب بین اسلوب قدیم و مضامین شعری خود پیوند ایجاد کردند. مهم‌ترین شگردهای هنری این شاعران در سرودن اشعار تشبیه، استعاره و کنایه بوده است. حمیری از برجسته‌ترین شاعران ادبیات شیعی در زمان خویش می‌باشد که مدح و بیان فضائل و مناقب امام علی(ع) و سایر ائمه معصومین، دفاع از مبانی و بنیان‌های اعتقادی شیعه و هجو دشمنان اهل پربسامدترین مضامین شعری حمیری به شمار می‌آید. شعر وی پرمضمون، فخیم و استوار است که شاعر از هنری ذاتی خود در بکارگیری صورخیالی همچون: تشبیه و استعاره، کنایه به منظور وضوح و درخشش بهتر معانی به کار گرفته است. بیشترین سهم از کاربرد صورخیال در شعر او به کنایه اختصاص یافته است. وی در تشبیهات

خود بیشتر از طبیعت و عناصر وابسته بدان بهره برده است. همچنین در همانندی‌های وی تشبیهات بکر و زیبا نیز دیده می‌شود.

دیک الجن نیز از شاعران مطرح عصر اول عباسی است که بخش گسترده‌ای از دیوان او به رثای خاندان پیامبر اختصاص یافته است و ابیاتی نیز در مدح آن بزرگواران سروده است. تشبیهات و استعارات و کنایات در اشعار شیعی وی در حکم ابزاری هستند برای وصول به معانی مورد نظر. دیک الجن با توان ادبی خود، این صور خیال را در حوزه ادب شیعی بکار گرفته است. بیشترین سهم از کاربرد صور خیال در اشعار وی به تشبیه اختصاص یافته است. در تشبیهات وی طبیعت نقش قابل توجهی دارد. تشبیهات و استعارات وی پیچیده و دور از ذهن نیستند.

کسایب مروزی شاعر نخستین شاعر شیعی پارسی‌گوی است که اشعار عاشورایی سروده است. وی با ذوق هنری خود، تشبیه، استعاره و کنایه را در خدمت اشعار شیعی و عاشورایی خود به کار گرفته است که در این میان تشبیه سهم بالاتری از دیگر صور دارد. صورخیال در اشعار وی ساده و بدون تکلف و از ابهام و پیچیدگی به دور است.

نکته مهم و قابل توجه در اشعار شیعی سه شاعر این است که آن‌ها بیشتر تأکید خود را بر انتقال درست و شفاف مضامین و مفاهیم منسوب به این خاندان قرار دادند و در همین جهت هنگام استفاده از صنایع بلاغی قصد و هدفشان خلق تصویرهای هنری شگرف نبوده، بلکه همواره سعی داشتند تا بر انتقال مضامین تأکید کنند.

## منابع

- این منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمدبن مکرم، ۱۴۰۵ق، **لسان العرب**، قم: نشر ادب الحوزه.
- ابوالحق، احمد، ۱۹۸۸م، **البلاغة و التحليل الأدبی**، بیروت: دارالعلم للملایین.
- انوار، امیرمحمود و دیباجی، ایراهیم و عبدالحسینی، حسین. ۱۳۸۹ش، «**مبانی زیبایی‌شناسی استعاره از دیدگاه عبدالقاهر جرجانی**». پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی. سال دوم، شماره ۸. صص ۱-۲۰.
- بهنام‌فر، محمد و خسروی، مجید. ۱۳۹۱ش. «**تطبیق تشبیه ابیات حکمی بوستان و سروده‌های منتبئ**». فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی جیرفت. دوره ۶. شماره ۲۲. پیاپی ۲۲. مرداد. صص ۸۵-۱۱۲.
- التفتازانی، سعدالدین. ۱۳۸۲ش، **مختصر المعانی**، ط ۸، قم: انتشارات دارالفکر.
- حقیقت، عبدالرفیع. ۱۳۸۶ش، **جنبش زبده در ایران**، چاپ دوم، تهران: انتشارات کوشش.
- الحمیری، السید. ۱۴۲۰ق، **دیوان السید الحمیری**، شرحه و ضبطه و قدم له: ضیاء حسین الأعلمی، الطبعة الأولى، بیروت: موسسه الأعلمی للمطبوعات.
- خطیب قزوینی، جلال‌الدین محمدبن عبدالرحمن. ۲۰۰۰م. **الإيضاح فی علوم البلاغة**، به کوشش محمد عبدالمنعم خفاجی، بیروت: دار الجیل.
- دیک الجن، عبدالسلام بن رغبان. ۱۴۱۵ق، **دیوان**، تحقیق و شرح انطوان محسن القوال، الطبعة ۲. بیروت: دارالکتاب العربی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۷۲ش، **صور خیال در شعر فارسی**، چاپ دوم، تهران: آگاه.

- شکعه، مصطفی. ۱۹۸۶م، *الشعر و شعراء فی العصر العباسی*، بیروت: دار العلم للملایین.
- ضیایی، عبدالحمید. ۱۳۸۱ش، *نگرشی انتقادی به ادبیات عاشورا*، تهران: نقد فرهنگ.
- العسکری، ابوهلال حسن بن عبدالله بن سهل. ۱۹۸۹م، *الصناعتین الکتابة و الشعر، حقه و ضبطه و نسه: مفید قیحه*، ط ۲، قاهره: دارالکتب العلمیة.
- فروخ، عمر. ۲۰۰۶م، *تاریخ الادب العربی*. جزء ۲. بیروت: دارالعلم للملایین.
- فروزانفر، بدیع الزمان. ۱۳۲۸ش، *منتخبات ادبیات فارسی*، تهران: شرکت سهامی خاص.
- کسائی مروزی، ابوالحسن علی بن محمد. ۱۳۷۹ش، *دیوان*، تصحیح و تحقیق محمد امین ریاحی، تهران: علمی.
- هاشمی، احمد. ۱۴۱۴ق، *جواهر البلاغه فی المعانی والبیان والبدیع*، قم: مصطفوی.

## References

- Ibn Manzoor, Abulfazl Jamal al-Din Muhammad bin Makram, 1984., *Lasan al-Arab*, Qom: Adab al-Hawza Publishing House.
- Abu al-Haq, Ahmad, 1988, *Al-Balagha and Literary analysis*, Beirut: Dar al-Alam for Al-Malayin.
- Anwar, Amirmahmoud and Dibaji, Irahim and Abdul Hosseini, Hossein. 2018, "Esthetic foundations of metaphor from the point of view of Abdul Qahir Jarjani". Research paper on Persian language and literature. The second year, number 8. pp. 1-20.
- Behnamfar, Mohammad and Khosravi, Majid. 2013 "Adaptation of the simile of Bostan's prescriptive verses and textual poems". *Jiroft Comparative Literature Quarterly*. Period 6. Number 22. Consecutive 22. August. pp. 85-112.
- Al-Taftazani, Saad al-Din. 2013, *Khazrat al-Ma'ani*, Vol. 8, Qom: Dar al-Fakr Publications.
- Haghighat, Abdul Rafi. 2016, *Zaidi movement in Iran*, second edition, Tehran: Komesh Publications.
- Alhamyari, Sayed. 1999, *Sayyid al-Hamiri's Diwan, Commentary and Record and Qadam Leh*: Zia Hossein Al-Alami, Al-Taba-e-Awli, Beirut: Al-Alami Press Institute.
- Khatib Qazvini, Jalal al-din Mohammad bin Abd al-Rahman. 2000, *Al-Iydah in the sciences of rhetoric*, by the effort of Mohammad Abdul Moneim Khafaji, Beirut: Dar Al-Jail.
- Dik al-Jen, Abd al-Salam ibn al-Rughban. 1994, *Diwan*, Research and Commentary by Antwan Mohsen Al-Qwal, 2nd edition. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza. 1993, *Imagination in Persian poetry*, second edition, Tehran: Aghaz.
- Shakeh, Mustafa. 1986, *Poetry and poets in the al-Abassi era*, Beirut: Dar al-Alam for the millions.
- Ziyaei, Abdul Hamid. 2013, *a critical approach to Ashura literature*, Tehran: Naqd Farhang.
- Askari, Abu Hilal Hasan bin Abdullah bin Sahl. 1989 AD, *Al-Sanaatin Al-Iqatar and Al-Shaar*, Haqqah and Capseh and Nasa: Mofid Qeeha, Vol. 2, Cairo: Dar Al-Kitab Al-Elamiya
- Faroukh, Omar. 2006, *History of Arabic Literature*. Part 2. Beirut: Dar al-Alam for millions.
- Farozanfar, Badi al-Zaman. 1949, *selections of Persian literature*, Tehran: Sohami Khas Company.
- Kesai Morozi, Abolhasan Ali bin Mohammad. 2000, *Divan*, edited and researched by Mohammad Amin Riahi, Tehran: Scientific.
- Hashemi, Ahmed. 1993, *Javaher al-Balagha fi al-Ma'ani and al-Bayan and al-Badi'*, Qom: Mustafavi.

**COPYRIGHTS**

© 2022 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

**ارجاع:** میرحسینی محدثه السادات، فرزانه سید بابک، شکیب محمود، بررسی تطبیقی شگردهای بلاغی شاعران شیعی عرب در عصر اول عباسی با نخستین شاعران شیعی پارسی گوی، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۶، شماره ۶۴، زمستان ۱۴۰۱، صفحات ۱۳۶-۱۱۷.